

## بررسی زبان‌شناختی حسن تعبیر در برنامه‌های شبکه استانی تلویزیون به‌منظور ارائه راهبردهای فرهنگی

مریم تفرجی یگانه<sup>۱</sup>، نعمت جهانفر<sup>۲</sup>، زهرا دریکوند<sup>۳</sup>

### چکیده

هدف از پژوهش پیش‌رو، بررسی زبان‌شناختی حسن تعبیر به‌عنوان مؤلفه تأثیرگذار در زبان و فرهنگ در برنامه‌های تلویزیونی است؛ بنابراین، این پژوهش بر مبنای هدف و استراتژی از نوع کاربردی، توصیفی -تحلیل محتوا می‌باشد. حسن تعبیر از ابزارهای زبانی است که باعث تقویت و افزایش نزاکت اجتماعی گویشوران زبان می‌شود. گویشوران هر زبان به جای واژه‌های بیانی نامناسب از حسن تعبیر استفاده می‌کنند که بار معنایی مثبتی داشته باشد. از آنجا که برنامه‌های محلی صداوسیما مخاطبان زیادی دارند، نحوه استفاده آن‌ها از زبان به‌طور یقین تأثیر زیادی بر فرهنگ و زبان بینندگان خواهد داشت؛ بنابراین، تلاش دست‌اندرکاران و برنامه‌ریزان این حوزه بر آن است که از مؤدبانه‌ترین گونه گفتاری استفاده کنند. اهمیت این موضوع سبب شد که به این پرسش پاسخ داده شود که حسن تعبیرها در گویش کردی با استفاده از چه ابزارهای زبانی بیان می‌شود؟ جامعه آماری پژوهش شامل برنامه‌های محلی پخش شده از مرکز صداوسیما استان ایلام از ابتدای سال ۱۳۹۹ بوده که شامل ۲۷۰ روز برنامه (۵۴۰ ساعت) بوده است. به‌منظور انتخاب نمونه مناسب، از روش نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک استفاده و حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران به تعداد ۵۴ روز (۱۰۸ ساعت برنامه) تعیین گردیده است. حسن تعبیرهای مستخرج ۷۰ مورد بوده است. نتایج بررسی‌ها نشان دادند که ابزارهای زبانی به کار رفته در ساخت حسن تعبیرها در نمونه موردنظر عبارت‌اند از: واژه‌های مبهم، حسن تعبیر استعاری، تضاد معنایی، فرایند ساختارهای تکرار، استلزام معنایی، اطناب، ایجاز، حذف، گسترش معنایی.

### واژگان کلیدی

حسن تعبیر، تابو، برنامه‌های محلی، زبان‌شناختی، راهبرد فرهنگی.



سال دوم  
شماره هفتم  
پاییز ۱۴۰۱

۱۳۵

m.tafaraji@ilam.ac.ir

nematjahanfar@gmail.com

z.drikkvand@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۲۴

۱. استادیار زبان‌شناسی گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه ایلام (نویسنده مسئول)

۲. کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه ایلام

۳. کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه ایلام

## ۱. مقدمه

واژه‌های ممنوع<sup>۱</sup> واژه‌هایی هستند که نباید بر زبان آورده شوند یا حداقل در جمع مؤدبانه باید از به کار بردن آن‌ها اجتناب کرد. دشنام‌های لفظی، فحش و واژه‌هایی رکیک از این جمله می‌باشند. هر جا که چاره‌ای جز به کار بردن این کلمات نباشد، گویشوران می‌توانند از جایگزین‌های مؤدبانه استفاده کنند که به آن‌ها حسن تعبیر گفته می‌شود (خیرآبادی، ۱۳۸۵: ۲۵۲).

حُسن تعبیر<sup>۲</sup> عبارت است از «کاربرد واژه‌ای که گمان می‌رود نسبت به واژه دیگری کمتر آزاردهنده یا ناخوشایند باشد» (Richard & Schmidt, 2010: 20). تابو هم اصطلاح فنی است و هم واژه‌ای معمولی. این واژه از زبان «تونگایی»<sup>۳</sup> وام گرفته شده، در کلی‌ترین مفهوم خود، بر منع کاربرد یا ارتباط با اشیاء، اعمال یا اشخاصی خاص دلالت می‌کند. واژه تابو در اصل آن در «پولینزی»<sup>۴</sup> دارای مفاهیم مذهبی بود، اما اکنون در جامعه‌شناسی زبان به معنای هرگونه معنی در کاربرد عناصر واژگانی خاص به کار می‌رود. هر جا که چاره‌ای جز اشاره به عناصر ممنوع نباشد، گویشوران اغلب مجازند از عبارات غیرمستقیمی موسوم به حسن تعبیر استفاده کنند. بدین ترتیب کلمه ممنوع و تابو دو روی یک سکه هستند (William O`Grady, 1389: 541).

کلمات تحریم شده کلمات یا عباراتی هستند که مردم به دلایل مرتبط با دین، مؤدب بودن و رفتار منع شده، از آن‌ها اجتناب می‌کنند. کلمات تحریم شده اغلب فحش‌ها و ناسزاها می‌باشند که معمولاً در رسانه‌های گروهی «صدای بیپ بیپ»، «...» یا در چاپ علامت ستاره (\*) جای آن‌ها را می‌گیرد و واژه‌هایی در مورد دشنام لفظی، بدون استثناء مسأله کراهت، فحش، ناسزا، واژه‌های رکیک و سایر شکل‌های زبان تحریم شده را مطرح می‌سازد. واژه‌های تحریم شده آن‌هایی هستند که باید به هیچ عنوان بیان نشوند یا دست کم «در جمع مختلط» یا در «جمع مؤدبانه» از کاربردشان اجتناب گردد (Hudson, 2000: 478).

زبان کردی<sup>۵</sup> امروز بازمانده تطّور یافته زبان فارسی باستان «مادی» است و مردم کرد فرزندان و بازماندگان مادها هستند. محل سکونت و استقرار قوم ماد و حوزه جغرافیایی زبان مادی بر اساس تأیید تاریخ و اقرار پژوهشگران، بخش‌های وسیعی از خاورمیانه تا نقطه مرکزی مناطقی بوده است که امروزه کردها در آن ساکن هستند (رخزادی، ۱۳۹۰: ۲۷).

1. taboo word
2. Euphemism
3. Tongan
4. Polynesian
5. Kurdish
6. Madi

گوش‌های متعدد کردی مکمل گروه «ایرانی-آریایی»<sup>۱</sup> هستند که به خانواده بزرگ زبان‌های هند و ایرانی<sup>۲</sup> تعلق دارد. این گوش‌ها یک مجموعه زبانی یکپارچه را تشکیل می‌دهند و این مجموعه از سایر زبان‌های همجوار، یعنی زبان‌های شمال غربی (ایران) مانند، تالشی و گوش‌های حاشیه دریای خزر و ... متمایز است (اشمیث، ۱۳۸۳: ۵۴۱). گوش‌های از کردی که در استان ایلام رایج است گوش‌کردی فیلی نامیده می‌شود و عمدتاً برنامه‌های محلی صداوسیما مرکز ایلام به این گوش می‌باشد. با توجه به تأثیر زیاد رسانه‌ها بر روی اذهان عمومی، حساسیت زیادی بر روی گفتمان رسانه وجود دارد و سعی بر آن است که از سبک گفتاری مؤدبانه بیشتر استفاده شود. یکی از شیوه‌های رعایت ادب پرهیز از به کار بردن واژه‌های تابو و ممنوع و جایگزین کردن آن‌ها با حسن تعبیرها و عبارت‌های خوشایند می‌باشد. حسن تعبیرها در زبان‌های متفاوت به شیوه‌های متفاوت ساخته می‌شوند که کاربرد و استراتژی ساخت آن‌ها از لحاظ زبانی و به‌ویژه فرهنگی بسیار در خور توجه است. این پژوهش، به دنبال کشف و توضیح چگونگی و نحوه ساخت این حسن تعبیر در زبان کردی می‌باشد.

در هر جامعه‌ای تابو، ممنوعیت یا پرهیز از رفتاری است که به نظر می‌رسد برای اعضای آن جامعه زیان‌بار است، چراکه آن رفتار موجب دغدغه خاطر، شرمندگی یا خجالت آن‌ها خواهد شد. در واقع تابو یک محدودیت نزاکتی بی‌نهایت قوی است. موضوعات تابو شده می‌توانند شامل موضوعات متفاوت بسیاری باشند: مانند روابط جنسی، مرگ، عمل دفع، کارکردهای بدنی، موضوعات دینی و سیاسی. واژه‌ها و عبارت‌های حسن تعبیر شده به ما امکان می‌دهد تا در مورد چیزهای ناخوشایند صحبت کنیم و ناخوشایندی را می‌پوشانند یا خنثی می‌کنند. حسن تعبیر در جوامع بسیار رایج است: گوشوران پیوسته چیزها را از نو نامگذاری و دسته‌بندی می‌کنند تا سبب شوند که بهتر به نظر رسند (Wardhaugh, 2010: 249).

به بیان دیگر، در حسن تعبیر، عبارتی ملایم، مبهم یا حشو<sup>۳</sup> آلود به جای عبارت دیگری می‌نشیند تا از صراحت بی‌پرده یا کاربرد ناخوشایند پرهیز شود. برای مثال، فارسی‌زبانان به جای فعل «مردن»، از گونه‌های «فوت کردن»، «رحلت (کوچ) کردن»، «به رحمت خدا رفتن» و غیره استفاده می‌کنند. یا مثلاً، آن‌ها، با اینکه واژه «کور» را دارند، از واژه‌های «نابینا» یا «روشن‌دل» بهره می‌برند.

## ۲. پیشینه پژوهش

محققان موضوع نقش تابوها و موضوعات بین فرهنگی مجادله آمیز در زندگی انسانها و استفاده افسار مردم از آنها را به صورت های مختلفی مورد بررسی و تحلیل قرار داده اند. کنبر (Qanbar, 2011) تابوهای زبانی را در جامعه یمن بررسی کرده و با مطالعه رابطه تابوهای موجود، محیط اجتماعی و ویژگی های اجتماعی - فرهنگی آن کشور، دسته بندی های مختلفی از تابوهای مذهبی و فرهنگی موجود ارائه داده است. او توضیح داده است که چرا بعضی مفاهیم تابو شمرده می شوند و با بهره گیری از نظریه ادب (Brown, and Levinson, 1987: 24) تابوهای زبانی جامعه یمن را توصیف کرده است. برخی محققان نیز از دیدگاه روان شناسی زبان به مسئله تابو و نقش آن پرداخته اند؛ مثلاً هریس و دیگران (Harris, 2003) واکنش احساسی مخاطبان دوزبانه (ترکی به منزله زبان اول و انگلیسی به منزله زبان دوم) را به برخورد با واژگان و مفاهیم حاوی معانی تابو در هر یک از زبانها و معادل های آنها در زبان دیگر بررسی کرده اند.

هولدر (Holder, 1994) از اولین افرادی می باشد که به گردآوری واژه های حسن تعبیری اقدام کرده است و این مجموعه واژه ها را به صورت فرهنگ لغت منتشر نموده است. او حسن تعبیر را کاربرد عبارات ملایم، مبهم و دگرگفت شده می داند که جایگزین واژه های رک، دقیق و ناخوشایند می شود. او کاربرد حسن تعبیر را برای جایگزینی واژه تابو و خودداری از بیان موضوع، ریاکاری و فریب دیگر افراد می داند. یول (Yule, 1996: 211- 212) در تحقیقی در مورد تفاوت های زبانی موجود بین افراد دارای جایگاه اجتماعی بالاتر و افراد دارای جایگاه اجتماعی پایین تر، در دبیرستان های دیترویت<sup>۱</sup>، استفاده مرتب از کلمات تحریم شده را در بین پسرها و دخترها در گروه دارای جایگاه اجتماعی پایین تر گزارش کرد؛ اما در بین گروه های دارای جایگاه اجتماعی بالاتر، پسرها از کلمات تحریم شده فقط در حضور دیگر پسرها استفاده می کردند، در حالی که به نظر نمی رسید که دختران اصلاً از آنها استفاده کنند.

وارن (Warren, 1992) با بررسی فرهنگ لغت های حسن تعبیر، یک دسته بندی برای بررسی حسن تعبیرها در زبان انگلیسی ارائه کرده است. هوانگ (۲۰۰۱) به بررسی حسن تعبیر در زبان انگلیسی می پردازد. او چند عامل را در ایجاد حسن تعبیر دخیل می داند، مانند تابو که در مورد سن اشخاص، مرگ و بیماری استفاده می گردد، عامل دیگر متانت می باشد که از بکار بردن واژه های صریح در مورد مسائل جنسی خودداری می شود.

لینفوت هام<sup>۱</sup> با توجه به دسته‌بندی وارن به بررسی در زمانی حسن تعبیر در چند رمان معروف پرداخته است و حسن تعبیر استفاده شده در این رمان‌ها در دسته‌بندی‌های متفاوتی قرار داده است.

حداد<sup>۲</sup> (۲۰۰۹) در پژوهش خود با عنوان «حسن تعبیر مرگ» به بررسی حسن تعبیرهای مربوط به مرگ پرداخته است. برای انجام این کار آگهی‌های تحریم در زبان انگلیسی با زبان عربی مقایسه نموده است. وی به این نتیجه رسیده است که زبان عربی به صورت غیرمستقیم‌تر از زبان انگلیسی به موضوع مرگ می‌پردازد. در زبان فارسی نیز پژوهشگران زیادی از جمله میرزاسوزنی (۱۳۸۵) به کاربرد حسن تعبیر در ترجمه پرداخته است. مریدی (۱۳۸۵) به بررسی حسن تعبیر و تابو در نمونه‌های زبانی گویش‌های لاری پرداخته است، وی در این پژوهش لیستی از واژه‌های تابو شده در گروه گویش‌های لارستانی و حسن تعبیر مربوط به این واژه‌ها را ارائه نموده است. از نظر ایشان واژه‌های تابو شده، ناشی از حجب و حیا ناشی از مسائل جنسی و عقاید پرستش مآبانه‌ای است که برخاسته از دیدگاه مذهبی می‌باشد. بیاتی (۱۳۸۹) به بررسی ساختاری حسن تعبیر در زبان فارسی پرداخته است. نورآبادی (۱۳۹۰) به تحلیل زبان‌شناختی حسن تعبیر در زبان فارسی و جایگاه آن در مواد آموزشی زبان فارسی برای غیرفارسی‌زبانان سطح پیشرفته پرداخته است. بدخشان و موسوی (۱۳۹۱) در پایان‌نامه‌های خود به بررسی زبان‌شناختی حسن تعبیر در زبان فارسی پرداخته‌اند و یک تقسیم‌بندی از واژه‌های حسن تعبیری بر اساس دسته‌بندی وارن ارائه داده‌اند. شریفی و دارچیان (۱۳۸۸) به بررسی تابو در متون غیرفارسی که به زبان فارسی ترجمه شده‌اند، پرداخته‌اند و راهکارهایی که مترجمین برای غلبه بر تابو به کار گرفته شده است بررسی نموده‌اند. ملایی پاشایی، سیف‌اله و محمدپور، خیرالنساء (۱۴۰۰) نیز به بررسی به‌گویی دشواژه‌ها در شاهنامه فردوسی پرداخته‌اند. آنها در پژوهش خود شگردهای به‌گویانه در شاهنامه فردوسی را استخراج و به لحاظ زبان‌شناختی مورد بررسی قرار دادند. اما در گویش کردی فیلی تاکنون هیچ‌گونه بررسی که شایسته آن گویش باشد در خصوص حسن تعبیر و تابوی زبانی انجام نگرفته است. از این رو نگارنده قصد دارند حسن تعبیر در گویش کردی فیلی را مورد مطالعه قرار دهند.

### ۳. مبانی نظری پژوهش

در زبان فارسی دشواژه برگرفته از مفهوم واژه تابو است. ریشه‌ی واژه‌ی تابو به معنای

1. Linfoot-Ham
2. Haddad

ممنوعیت، برگرفته از زبان تونگان<sup>۱</sup> در اواخر قرن هجده است. در زبان پولینزیایی این واژه به معنای قدغن بوده و برای هر شکلی از ممنوعیت استفاده می‌شده است (ملاپاشایی، سیفاله و همکار، ۱۴۰۰: ۵).

تابوها مقولات و مفاهیمی هستند که به سبب حرمت عرفی یا اجتماعی و دینی از ذکر یا استفاده آن پرهیز می‌شود. همین حفظ حرمت و ناخوشایندی تابوها، انسان را به پردازش مفاهیم ناخوشایند، زشت، خشن و گستاخانه، در قالبی زیبا، خوشایند و پسندیده و دور از صراحت لهجه سوق داده است که از این شیوه معناپردازی به حسن تعبیر یاد شده است. مقوله حسن تعبیر از آغاز پژوهش‌های زبانی و ادبی در کانون توجه علمای زبان و منتقدان مسلمان قرار گرفته است، به گونه‌ای که بیشتر آنان به معرفی و نام‌گذاری و تحلیل شیوه‌ها و انگیزه‌ها و گستره معنایی این رفتار زبانی پرداختند. قدما در زمینه نام‌گذاری این شیوه معناپردازی، گاه معادل‌های مختلف را به کار برده‌اند (نوروزی، عباس‌زاده، ۱۳۸۹).

حوزه معنایی حسن تعبیر در زبان‌ها، امور جنسی، رخدادها و پدیده‌های ناگوار همچون مرگ، بیماری است. رعایت ادب و نزاکت، کاهش بار منفی تعابیر صریح و تلطیف آن، بدبینی و ترس، تفنن و نوجویی و حفظ کرامت، از زمره مهم‌ترین انگیزه‌های این پدیده است. این نوشتار، به بررسی مقوله «حسن تعبیر» در برنامه‌های تلویزیونی به منظور ارائه راهبردهای فرهنگی می‌پردازد.

حسن تعبیر همواره مورد توجه زبان‌شناسان مختلف بوده است. شاید راوسن<sup>۲</sup> (۱۹۸۱) اولین فردی باشد که به‌طور مستقل به بررسی حسن تعبیر و جمع‌آوری واژگان حسن تعبیری پرداخته است. راوسن دلیل استفاده از حسن تعبیرها را چنین بیان می‌کند، حسن تعبیرها بیانگر مسائل و موضوعاتی هستند که مردم نسبت به آن‌ها ترس دارند (Rawson, 1981: 1). وارن<sup>۳</sup> (۱۹۹۲) با بررسی فرهنگ لغت‌های حسن تعبیر، یک دسته‌بندی برای بررسی حسن تعبیرها در زبان انگلیسی ارائه کرده است.

از نظر پالمری یکی از دلایل تغییر سریع معنی واژه، مسئله «الفاظ حرام» یا تابو می‌باشد. واژه‌هایی که برای پدیده‌های ناخوشایند به کار رفته‌اند به سرعت جای خود را به واژه‌های جدیدتر داده‌اند و این واژه‌ها به واژه‌های تازه‌تری تبدیل شده‌اند. واژه‌هایی نظیر مستراح، مبال، کنار آب، دست‌به‌آب، توالیت، دستشویی و... از این طریق پدید آمده‌اند (پالمری، ۱۳۹۱: ۳۱).

1. Tongan
2. Rawson
3. Warren

زبان‌شناسانی مانند یسپرسن (Yespersen, 1964, 237-254) پدیده‌تابو را عامل تعیین‌کننده‌ای در پیدایش تفاوت‌های زبانی میان مردان و زنان دانسته‌اند. با توجه به این دیدگاه تفاوت واژگانی و ساختاری میان زنان و مردان بیشتر به دلیل آن است که هر جنسیت از اصطلاحات یا ویژگی‌هایی که به نوعی با جنس مخالف مرتبط گشته‌اند پرهیز می‌کنند (مدرسی، ۱۳۹۱: ۲۰۸).

چارچوب نظری این پژوهش مطابق طبقه‌بندی وارن (Warren, 1992) می‌باشد. در دسته‌بندی وارن حسن تعبیر به دو دسته اصلی ساخت‌های صوری و ساخت‌های معنایی تقسیم شده‌اند. ساخت‌های صوری را به سه دسته واژگان قرضی، ابزارهای ساختواژی و تغییر واجی که هر کدام دارای انواع متفاوتی می‌باشد، تقسیم نموده است. وی ساخت‌های معنایی را به انواع تخصیص معنایی، استلزام معنایی، استعاره، مجاز، تضاد معنایی، کم‌گفت، مبالغه، اطناب، رد خلف، واژگان مبهم، واژگان کودکانه، گسترش معنایی، اسم‌گذاری و عبارات اشاره‌ای تقسیم نموده است. در بخش تحلیل داده‌ها شیوه‌هایی را بررسی می‌کنیم که در گویش کردی فیلی کاربرد دارند. همچنین شیوه‌ای که خاص این گویش است مورد تحلیل قرار خواهند گرفت.

#### ۴. روش پژوهش

پژوهش پیش‌رو از نوع توصیفی-تحلیل محتوا و بر مبنای طبقه‌بندی وارن صورت گرفته است. داده‌های پژوهش از میان برنامه‌های تلویزیونی استخراج شده، بدین صورت که داده‌ها شامل برنامه‌های محلی پخش شده از مرکز صداوسیما استان ایلام از ابتدای سال ۱۳۹۹ تا اواخر آذرماه بوده است که شامل ۲۷۰ روز برنامه و مدت زمان برنامه‌ها نیز در طول هر شبانه‌روز به‌طور متوسط حدود دو ساعت بوده است. تمامی این برنامه‌ها به‌وسیله پژوهشگر ضبط و ثبت شده‌اند. به‌منظور انتخاب نمونه مناسب، از روش نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک استفاده و حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران به تعداد ۵۴ روز (۱۰۸ ساعت برنامه) تعیین گردیده است. دلیل به‌کارگیری روش نمونه‌گیری سیستماتیک تضمین انتخاب نمونه در کل دوره مورد بررسی می‌باشد. سپس محتوی برنامه‌ها مورد بررسی قرار گرفته، کلمات یا عبارت‌های حسن تعبیر استخراج گردیده که تعداد این عبارات ۷۰ مورد بوده است. در ادامه داده‌های حاصل در نمونه مذکور با توجه به اهداف تحقیق در چارچوب نظری وارن (۱۹۹۲) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. فرایند تحقیق به‌طور مختصر در نمودار زیر نشان داده شده است.



نمودار ۱. فرایند تحقیق

## ۵. یافته‌های پژوهش

در گویش کردی ایلامی شیوه‌های متفاوتی برای ساخت واژه‌های حسن تعبیر مورد استفاده گویشوران قرار می‌گیرد. گویشوران، گویش کردی فیلی برای نشان دادن نزاکت و ادب اجتماعی و جلوگیری از خدشه‌دار شدن احساسات افراد جامعه از حسن تعبیر استفاده می‌کنند. گویشوران تلاش می‌کنند تا با جایگزین کردن واژه‌های تابو و به‌کارگیری حسن تعابیر به جای واژه‌ها و عبارت‌های ناخوشایند و دارای بار معنایی منفی، ادب اجتماعی و اصول اخلاقی کلامی و وجهه اجتماعی خود و مخاطبان را حفظ کنند. جهت نیل به این منظور شیوه‌ها و اصول زبانی خاصی بهره‌گرفته‌اند که در ذیل به تفسیر شرح داده می‌شوند.

### ۵-۱. واژه‌های مبهم

یکی از شیوه‌های بیان حسن تعبیرها، بیان واژه‌هایی است که مفهوم ابهام‌آمیز دارند و بر شخص و شیء خاصی دلالت ندارند. برای پرهیز از بیان مستقیم و مشخص بعضی واژه‌ها و برای اجتناب از بیان بعضی واژه‌های ناخوشایند، گویشوران زبان از واژه‌های مبهم استفاده می‌کنند. در ابهام حسن تعبیر، مفاهیم ناخوشایند پنهان می‌شود. از پرکاربردترین واژه‌های مبهم در گویش ایلامی به کار رفته در برنامه‌های محلی صداوسیما مرکز ایلام می‌توان به «hen»، «فلان» و «češt» برای اشاره به شخص یا



شیئی که گوینده از بیان نام آن کراهت دارد، اشاره کرد. مثلاً، در بیان حرف‌های ردوبدل شده بین دو نفر در یک دعوا، گویشوران از واژه *čest* استفاده می‌کنند:

*?æw čestæylæ weten mâye xejâlætiyæ.*

(۱) آن چیزهایی که آن‌ها گفتند باعث خجالتی و شرمندگی می‌شود.

واژه */čest/* در جمله (۱) اشاره به واژه‌های ناخوشایندی دارد که نمی‌توان به‌طور صریح بیان کرد و از طریق بیان واژه «*čest*» گوینده وجهه اجتماعی خود و مخاطب را حفظ می‌کند.

### ۵-۲. حسن تعبیر استعاری<sup>۱</sup>

استعاره عبارت است از جایگزین کردن کلماتی برای کلمات دیگر که با هم در ویژگی‌های معنایی اشتراک دارند (هادسن، ۲۰۰۶: ۳۱۷). در حسن تعبیر استعاری، جایگزین‌های حسن تعبیر از طریق استفاده از واژه‌ها یا عبارات‌های استعاری ایجاد می‌شود. هوانگ<sup>۲</sup> معتقد است در حسن تعبیر استعاری، چیزی خوشایند به جای چیزی ناخوشایند به کار می‌رود:

*čemâne xæfteywd*

(۲) مثل اینکه خوابیده بود.

شخص خوابیده استعاره از مرده می‌باشد.

*zewâne eymæ tæræ zewâne æyw heškæ*

(۳) زبان ما تر است و زبان او خشک

شخص زبان خشک در جمله (۳) استعاره از شخص مرده می‌باشد. در جمله (۲) مسئله ناخوشایند مرگ به خواب مانند شده است. در این رابطه استعاره خواب باعث افزایش جنبه خوشایند، یعنی آرامش و آسایش شده است، زیرا کسب آرامش از ویژگی‌های بارز خواب می‌باشد. در این فرایند استعاری ویژگی آرام بخشی مرگ برجسته می‌شود و ویژگی‌های آزاردهنده دیگر مانند فقدان شخص از دست‌رفته و غم و اندوه ناشی از آن مصیبت پنهان یا به آن کمتر توجه می‌شود.

### ۵-۳. تضاد معنایی<sup>۳</sup>

در این رابطه مفهومی، جمله‌ای در معنی معکوس جمله دیگری مورد استفاده قرار می‌گیرد، یعنی چیزی گفته می‌شود و مفهوم عکس آن برداشت می‌شود (صفوی، ۱۳۹۱: ۸۶).

1. metaphoric
2. Huang
3. antonymy

تضاد معنایی یکی دیگر از ساخت‌های حسن تعبیر در گویش کردی فیلی می‌باشد. در این شیوه برای ایجاد حسن تعبیر، به جای واژه ناخوشایند در بافت زبانی مورد نظر از متضاد آن واژه استفاده می‌شود. در جملات زیر گوینده برای پرهیز از بیان کلمات ناخوشایند از تضاد معنایی استفاده کرده است.

rüwe gešt sefed kerdegæ

(۴) روی همه را سفید کرد

rüw bâwge sefed kerd era kêre ge kerd.

(۵) روی پدرش سفید کرده است برای کاری که انجام داد.

منظور از روی سفید در این جمله روسیاهی و آبروریزی می‌باشد. در جملات (۴) و (۵) به جای واژه «روی سیاه» که بار معنایی منفی و آزاردهنده دارد واژه‌های متضاد آن یعنی «روی سفید» و «سربلندی» که دارای بار معنایی مثبت می‌باشد مورد استفاده قرار گرفته است.

sære gešteyân hez dâÿæ

(۶) همه را سربلند کرد.

سربلندی به جای سرافکنگی استفاده شده است.

#### ۴-۵. فرایند تکرار<sup>۱</sup>

در فرایند ساختواژی تکرار، تمام یا بخشی از واژه در سمت چپ یا راست و گاهی در وسط پایه<sup>۲</sup> تکرار می‌شود و در زبان‌های مختلف فرایند تکرار کامل یا تکرار ناقص<sup>۳</sup> پیشوندی، پسوندی و میانوندی دیده می‌شود (Spencer, 1991: 13).

از کارکردهای معنایی فرایند ساختواژی تکرار در گویش کردی ایلامی ایجاد حسن تعبیر می‌باشد که در هنگام صحبت کردن، گویشوران برای اجتناب از بیان واژه‌های ناخوشایند از فرایند تکرار استفاده می‌کنند، مانند مثال‌های (۷-۹):

?æw felân felân wæpe hâteÿæ zendegi læ mærdem herâm kerdeÿæ.

(۷) آن فلان فلان شده آرامش را از مردم سلب نموده است.

?æw felân felân wæpe hâteÿæ hæer kêre nâjoræ keyden.

(۸) آن فلان فلان شده هرچه کار ناپسند را انجام می‌دهد.

elæw belæ nækæ.

(۹) اله و بله نکن.

1. reduplication

2. base

3. partial reduplication

در جملات (۷) و (۸) از تکرار کامل «فلان فلان» برای اظهار ناراحتی و نفرت و عدم بیان دشنام به کار رفته، استفاده شده است و از بیان ذکر صریح واژه که دارای بار معنایی منفی می‌باشد خودداری شده است. در جمله (۹) از طریق فرایند تکرار ناقص از بیان صریح واژه رکیک خودداری شده است.

### ۵-۵. استلزام معنایی<sup>۱</sup>

در این رابطه معنایی، تحقق مفهوم یک جمله مستلزم مفهوم جمله دیگری است. به عبارتی اگر جمله‌ای به وقوع پیوسته باشد، جمله دیگری نیز وقوع یافته است (صفوی، ۱۳۹۱: ۸۹). در هنگام ساخت حسن تعبیر از طریق استلزام معنایی، گوینده جمله‌ای بیان می‌کند ولی مفهوم ناخوشایند دیگری در نظر دارد و بار معنایی منفی از طریق استنباط شنونده، دریافت می‌شود، زیرا معنای ناخوشایند به صورت تلویحی بیان می‌شود و از معنای تحت اللفظی واژه‌ها فراتر می‌رود. در این شیوه گوینده جمله‌ای را بیان می‌کند و مفهوم ناخوشایند دیگری را در نظر می‌گیرد؛ مانند مثال‌های (۱۰) و (۱۱) که در ادامه به آن‌ها اشاره شده است.

zewân bæšâgæ.

(۱۰) زبانش بند آمده است. (در حالت احتضار است)

hæ læyræ næfæse âxer keyšâ.

(۱۱) همین جا نفس آخر را کشید.

حسن تعبیر در استلزام معنایی به صورت گفتار غیر مستقیم می‌باشد و جنبه استنباطی دارد.

### ۵-۶. حسن تعبیر با استفاده از اطناب

اطناب، پرگویی و دراز کردن سخن است (شمیسا، ۱۳۷۸: ۱۱۰). با توجه به نظر داف<sup>۲</sup> (۱۹۹۴) اطناب توصیف مفصل‌تر مشخصات و معانی مرتبط با واحد مورد نظر (واژه اصلی) است. در مثال‌های (۱۲) و (۱۳) واژه اصلی از طریق گویشوران بیان نمی‌شود، بلکه آن را توصیف می‌کنند.

dæy læ hæft ?âw qâpe tær næywd

(۱۲) (فرد حقه باز).

dærs dæygaë šeytân

(۱۳) به شیطان درس می‌دهد.

۵-۷. حذف<sup>۱</sup>

یکی دیگر از روش‌های ایجاد حسن تعبیر در گویش کردی ایلامی استفاده از فرایند حذف می‌باشد؛ که به دو صورت حذف کامل و شبه حذف می‌باشد. در حذف کامل واژه ناخوشایند به‌طور کامل حذف می‌شود. در این نوع حذف که معمولاً در برنامه‌های رسانه استفاده می‌شود از صدای «بیب» استفاده می‌شود. ولی در نوشتار به جای واژه ناخوشایند از (...) استفاده می‌شود که نشانه حذف کامل است.

.....ga. ?âyeme felani

(۱۴) فلانی آدم ... است.

۵-۸. ایجاز (کم‌گفت)<sup>۲</sup>

ایجاز یعنی با حداقل معنی و مفهوم پیام را بیان نمودن و شرط آن این است که صرفه‌جویی در لفظ به انتقال پیام خللی وارد نکند (شمیسا، ۱۳۷۸: ۱۰۶).  
الن<sup>۳</sup> و بریج<sup>۴</sup> ایجاز را نظامی می‌دانند که برای ساخت حسن تعبیر مورد استفاده قرار می‌گیرد و تنها بخشی از واقعیت را بیان می‌کند (Allan & Burridge, 1991: 33).  
برای نمونه در گویش کردی فیلی برای اشاره به مواد مخدر از واژه «*tiyæləgæ*» استفاده می‌شود. در این واژه نوعی ایجاز وجود دارد که همراه با بار مثبت می‌باشد، زیرا یکی از جنبه‌های مواد مخدر در نظر گرفته شده و بار معنایی منفی مسائل دیگر آن مانند خاصیت اعتیادآوری شدید و بیماری ناشی از مصرف آن را کاهش داده است.

۵-۹. گسترش معنایی<sup>۵</sup>

گسترش معنایی بیانگر این است که تعداد چیزهایی که یک واژه بر آن‌ها دلالت دارد افزایش داده شده باشد (آراتو، ۱۳۹۴: ۲۰۱).

یکی از شیوه‌های ساخت حسن تعبیر، استفاده از فرایند گسترش معنایی می‌باشد. در این فرایند به جای واژه‌ای که ناخوشایند و دارای بار معنایی منفی است از واژه‌ای استفاده می‌شود که دارای بار معنایی مثبت‌تری نسبت به واژه اصلی می‌باشد، مانند

مثال (۱۵) و (۱۶) در ذیل:

gereftâre bewyæ.

1. Deletion
2. ellipsis
3. Allan
4. Burridge
5. semantic expansion

(۱۵) او گرفتار (معتاد) شده است.

mæriz hâlæ.

(۱۶) او مریض (معتاد) شده است

در مثال‌های (۱۵) و (۱۶) واژه‌های گرفتار و مریض دارای بار معنایی مثبت نسبت به واژه معتاد می‌باشد.

### ۵-۱۰. استفاده از واژه امری بفرما

ابزار دیگری برای ساخت حسن تعبیر در گویش کردی ایلامی (فیلی) استفاده از واژه «befærmâ: بفرما» می‌باشد. واژه «بفرما» دارای بار معنایی مثبت می‌باشد و بیانگر ادب و نزاکت اجتماعی گویشور می‌باشد. واژه «بفرما» با توجه به اعمال و فعالیت‌های مختلف و مکان‌های متفاوت دارای معانی بسیار متفاوتی می‌باشد و دارای کاربرد بسیار فراوانی در امور روزمره برای تعامل با سایر افراد جامعه می‌باشد، مخاطب با توجه به موقعیتی و بافتی که در آن قرار دارد مفهوم واژه بفرما را درک و دریافت می‌کند. مثلاً هنگام ورود به یک مکان به جای عبارت داخل شو، به جای امر به نشستن، امر به برخاستن، امر به خوردن، امر به نوشیدن، امر به حرف زدن، امر به رفتن، امر به آمدن، امر به انجام کار و غیره از چنین واژه‌ای استفاده می‌گردد.

### ۶. بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش سعی بر آن بوده که شیوه‌ها و روش‌های مختلفی که برای بیان حسن تعبیرها در گویش کردی ایلامی مورد استفاده گویشوران کردی در برنامه‌های تلویزیونی بوده، بررسی شود. یافته‌های به دست آمده از گفتمان گویشوران بومی در برنامه‌های محلی صداوسیما مرکز ایلام نشان می‌دهد، حسن تعبیرها در گویش کردی ایلامی در ارتباط با مسائلی از قبیل مرگ، اشاره به اعمال ناشایست، نفرین کردن برای ایجاد ترس، بیان صفات نامناسب، بیماری‌ها، مواد مخدر، مسائل جنسی، ناسزاها، اعضای بدن، مواد زائد بدن، بیماری‌ها، موجودات وحشتناک و امر به انجام کاری می‌باشند که همگی دارای بار معنایی منفی می‌باشند و گویشوران در میان جمع و در محیط‌های رسمی از بیان آن‌ها کراهت دارند. لذا گویشوران برای حفظ منزلت اجتماعی خود ناچار به استفاده از حسن تعبیرهای ساخته شده برای چنین واژه‌های تابو شده‌ای می‌باشند تا با بیان حسن تعبیرها نزاکت اجتماعی خود را تقویت کرده یا افزایش دهند. با توجه به داده‌های ارائه شده، گویشوران گویش کردی ایلامی از ابزارها و شیوه‌های مختلفی برای بیان حسن

تعبیرها استفاده می‌کنند، این ابزارها شامل واژه‌های مبهم، استعاره، تضاد معنایی، فرایند ساختوازی تکرار، استلزام معنایی، اطناب، حذف، ایجاز، گسترش معنایی، استفاده از واژه بفرما که دارای بار معنایی مثبت می‌باشند. لازم به ذکر است که یافته‌های این پژوهش در راستای یافته‌های سایر پژوهشگران از جمله راوسن (۱۹۸۱)، هولدر (۱۹۹۴)، هوانگ (۲۰۰۱)، مریدی (۱۳۸۱)، بیاتی (۱۳۸۹) و موسوی (۱۳۹۱) بوده و یافته‌های آنان را مورد تأیید قرار می‌دهد. لازم به ذکر است که گویشوران یک زبان در شرایط خاص مثلاً در جمع صمیمی یا دوستانه ممکن است که از واژه‌های تابو شده در زبان استفاده نموده و از حسن تعبیر استفاده نکنند، اما در هر جایی که شان و منزلت و وجهه اجتماعی فرد مهم باشد، گویشوران قطعاً از کاربرد تابوهای زبانی خودداری کرده و معادل خوشایند آن را به کار می‌برند، زیرا حفظ وجهه اجتماعی یکی از مهم‌ترین خواسته‌های افراد است. از آنجا که رسانه از ابزارهای مهم ارتباط اجتماعی می‌باشد، معمولاً دست‌اندرکاران این حوزه تلاش می‌کنند که از صورت‌های مؤدبانه و رسمی‌تر زبان استفاده نمایند تا تأثیر مثبتی بر روی مخاطبان ایجاد کند، لذا برنامه‌های محلی هم از این مهم مستثنی نیستند. رعایت ادب و نزاکت و به‌کارگیری واژگان دارای بار معنایی مثبت و پرهیز از کاربرد واژه‌های نامناسب به لحاظ فرهنگی بسیار درخور توجه است، به‌خصوص در فرهنگ بومی ما اهمیت ویژه‌ای دارد، لذا آشنایی با استراتژی‌های زبانی جهت نیل به این هدف از اهمیت خاصی برخوردار بوده و در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و برنامه‌سازی که گروه‌های زیادی از اقشار مختلف جامعه مخاطبان آن هستند، می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد.

### پیشنهادها

با توجه به گستره وسیع مخاطبان رسانه‌ها و همچنین قدرت تأثیرگذاری آن‌ها به‌ویژه رسانه‌های دیداری و شنیداری و به‌طور مشخص تلویزیون، به برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران این رسانه‌ها توصیه می‌شود در تولید محتوای صورت گرفته با هدف تقویت نزاکت اجتماعی نسبت به بکارگیری حسن تعبیر به جای واژه‌های بیانی نامناسب اقدام نمایند؛ به‌ویژه در شبکه‌های تلویزیونی استانی و رسانه‌های محلی که قدرت تأثیرگذاری رسانه بالاتر است، باید دقت بیشتری صورت پذیرد. کم توجهی به این موضوع بسیار مهم در میان‌مدت و درازمدت اثرات غیرقابل جبرانی بر فرهنگ و زبان مناطق وارد خواهد آورد. در این بین، استفاده از نظرات و راهنمایی‌های زبان‌شناسان در نظارت بر تولیدهای محتوایی رسانه‌ها، اجتناب ناپذیر است.

## منابع و مأخذ

- آرلاتو، آنتونی (۱۳۹۴). درآمدی بر زبان‌شناسی تاریخی. ترجمه یحیی مدرسی. چاپ سوم. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- آکماجین، آندریین. دمرز، ریچارد آ. فارمر، ان ک. هارنیش رابرت م (۱۳۷۵). درآمدی بر زبان‌شناسی و ارتباط. ترجمه خسرو غلامعلی‌زاده. کرمانشاه طاق بستان.
- اشمیث، رویگر (۱۳۸۳). راهنمای زبان‌های ایرانی نو. ترجمه حسن رضایی باغبیدی. چاپ اول. تهران: انتشارات ققنوس، چاپ شمشاد.
- اگریدی، ویلیام. دابروولسکی، مایکل. آرنف، مارک (۱۳۸۹). درآمدی بر زبان‌شناسی معاصر. ترجمه علی درزی. چاپ سوم. سمت.
- بیاتی، لیلا (۱۳۸۹). بررسی ساختار زبانی حسن تعبیر در فارسی. رساله کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی تهران.
- بدخشان، ابراهیم و سجاد موسوی (۱۳۹۲). «بررسی زبان‌شناختی به‌گویی در زبان فارسی». جستارهای زبانی. شماره ۱: ۲۶-۱.
- پالمر، فرانک (۱۳۹۱). نگاهی تازه به معنی‌شناسی. ترجمه کورش صفوی. چاپ ششم. تهران: مرکز. خیرآبادی، رضا (۱۳۸۴). زبان‌شناسی همگانی. چاپ اول. تهران: فرهنگ.
- رخزادی، علی (۱۳۹۰). آواشناسی و دستور زبان کردی. چاپ دوم. سندج: کردستان.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۸). معانی و بیان (۱). چاپ نهم. پیام نور.
- صفوی، کورش (۱۳۹۱). آشنایی با معنی‌شناسی. چاپ دوم. پژوهش‌های کیوان.
- صفوی، کورش (۱۳۹۲). درآمدی بر معنی‌شناسی. چاپ پنجم. تهران: سوره مهر.
- کریم‌پور، کریم (۱۳۸۰). فرهنگ گویش کردی (کردی - فارسی) خه ور هه لات. چاپ اول. صبح روشن.
- مدرسی، یحیی (۱۳۹۱). درآمدی بر جامعه‌شناسی معاصر. چاپ سوم. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- ملایی پاشایی، سیف‌اله و خیرالنساء محمدپور (۱۴۰۰). «بررسی به‌گویی دشواژه‌ها در شاهنامه فردوسی: رویکردی معنی‌شناختی». دوفصلنامه تاریخ ادبیات. شماره ۲: ۶۴-۴۱.
- میرسوزانی، صمد (۱۳۸۵). «کاربرد حسن تعبیر در ترجمه». فصلنامه مطالعات ترجمه. شماره ۱۴: ۲۳-۳۴.
- نورآبادی، قاسم (۱۳۹۰). تحلیل زبان‌شناختی فرآیند حسن تعبیر در زبان فارسی و جایگاه آن در موارد آموزش زبان فارسی برای غیرفارسی‌زبانان سطح پیشرفته. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی. تهران.
- نوروزی، علی و حمید عباس‌زاده (۱۳۸۹). «حسن تعبیر در زبان و ادبیات عربی شیوه‌ها و انگیزه‌ها». زبان و ادبیات عربی. شماره ۳: ۱۷۴-۱۴۹.

- Allan, K. & K. Burridge (1991). **Euphemism and Dysphemism: Language Used as Shield and Weapon**. New York: Oxford Universe.
- Brown, P. and Levinson, S. C. (1987). **Politeness: Some universals in language usage**. Cambridge: Cambridge University Press
- Falk, Julia S (2007). **Linguistics and language**. Second edition. Michigan State University.
- Haddad, S. (2009). “**Euphemizing Death**”. Damascus University Journal. Vol.25.No.1 & 2.Pp.41-59.
- Harris, C. L., Aycicegi, A. and Gleason, J. B. (2003) “Taboo Words and Reprimands Elicit Greater Autonomic Reactivity in a First than in a Second Language”, **Applied Psycholinguistics**, 24 (4): 561-579.
- Holder, R.W.A (1995). **Dictionary of Euphemism**. Oxford University Press.
- Huang, Y (2005). A Brief Study of the Origin, Forms and Change of English. US-China Foreign Language, 3(9).
- Hudson, Grover (2000). **Essential introductory Linguistics**. First publishers Inc.
- Linfoot-Ham, Q. (2005) “The Linguistics of Euphemism: A Diachronic Study of Euphemism Formation”, **Journal of Language and Linguistics**, 4(2): 227-263.
- Qanbar, N. (2011) “A Sociolinguistic Study of The linguistic Taboos in the Yemeni Society”, **Modern Journal of Applied Linguistics (MJAL)**, 3 (2&3): 86-104.
- Rawson, H (1981). **A dictionary of Euphemisms and other doubletalk**. New York: Crown publishers. Inc.
- Richards, Jack C and Schmidt, Richard (2010). **Longman Dictionary of language teaching and applied linguistic**. Fourth edition published in Great Britain.
- Spencer, Andrew (1991). **Morphological Theory: An Introduction to word structure in Generative Grammar**. Oxford: Blackwell.
- Wardhaugh, Ronald (2010). **An introduction to sociolinguistics**. Sixth edition. Wiley-Black well.
- Warren, B (1992). “**What Euphemisms Tell Us About the Interpretation of Words**”. *Studia Linguistica*. 46 (2). Pp. 128-172.
- Yule, G. (1996). **The Study of Language**. Second Edition. Cambridge University Press.